

عطرهای مرکب در جواهر الطیب المفردة بازشناسی عطرنامه منسوب به ابن ماسویه و محتوای آن

* محسن قوسی

** یونس کرامتی

چکیده

امروزه، دست‌نویس‌هایی با عنوان جواهر الطیب المفردة بأسمائها وصفاتها و معادنها به ابن ماسویه منسوب است که در کتاب‌شناسی‌های کهن از آن یاد نشده است. شباهت میان شرح عطرهای مفردة (غیر ترکیبی) در این اثر و نقل‌هایی از ابن ماسویه نشان می‌دهد که از دیرباز، کتابی در این باب به ابن ماسویه منسوب بوده که البته محتوای آن بیشتر به واسطه کتاب عطرشناسی به نام خُشکی نقل شده است. برخی دست‌نویس‌های این اثر، بخشی درباره‌ی دستور ساخت عطرهای ترکیبی در بر دارند. گرچه از ابن ماسویه و به‌ویژه «کتاب ابن ماسویه» نقل‌هایی بیشتر در این باب در دست داریم اما از این میان تنها یک نقل، آن‌هم فقط در یکی از دست‌نویس‌های جواهر الطیب، به چشم می‌خورد. چه‌بسا این بخش از رساله به‌تمامی به دست ما نرسیده باشد. برخی دست‌نویس‌های این دست‌نویس‌ها نیز، بی‌یادکرد نام ابن ماسویه، در آثار دیگر به‌ویژه در اثر عطرشناسی کندی، تکرار شده است که شاید نشانه بهره‌گیری این دو از منابع مشترک باشد.

کلیدواژه‌ها: عطرشناسی در دوره اسلامی، عطرسازی در دوره اسلامی، یوحنا بن ماسویه، جواهر الطیب المفردة، کندی، خُشکی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۰

* دانش‌آموخته دکتری تاریخ علم پژوهشگاه علوم انسانی / mohsen.qosi@gmail.com

** استادیار پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / ykaramati@ut.ac.ir

طرح مسئله

ابوزکریا یوحنا (یحیی) بن ماسویه خوزی (ح ۱۶۳ یا ۱۷۲-۲۴۳ق)، پزشک نامدار جندی‌شاپوری، افزون بر نگارش آثاری مهم در شاخه‌های مختلف پزشکی، در برخی علوم دیگر نیز صاحب نظر بوده و آثاری نیز در این زمینه نگاشته یا دست‌کم در منابع و دست‌نویس‌ها چنین آثاری به او منسوب است. یکی از مهم‌ترین این آثار، عطرنامه‌ای است که در دست‌نویس‌های موجود، جواهر الطیب المفردة بأسمائها وصفاتها ومعادنها نامیده شده است در حالی که در کتاب‌شناسی‌های کهن، نه اثری با این عنوان و نه حتی اثری دربارهٔ عطرها، در شمار آثار ابن‌ماسویه نیامده است.

اهمیت جواهر الطیب، البته به شرط درستی انتساب آن به ابن‌ماسویه، آن‌گاه بیشتر به چشم می‌آید که بدانیم این اثر و کیمیاء العطر و التصعیدات^۱ ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۱۸۵-۲۵۸ق) کهن‌ترین عطرنامه‌های^۲ برجای مانده از دورهٔ اسلامی به‌شمار می‌آیند. البته با توجه به نزدیکی بسیار روزگار این دو، به سختی می‌توان گفت که نگارش کدام‌یک زودتر از دیگری بوده است.

دست‌کم پنج دست‌نویس از جواهر الطیب باقی مانده است که چهار دست‌نویس در این پژوهش در دسترس بوده است:

۱. شماره ۱۷۴ مجموعه گرت در دانشگاه پرینستون (تاریخ کتابت: ۵۹۰ق)؛
۲. شماره ۱۵۶۹ کتابخانه و موزه ملی ملک در تهران (تاریخ کتابت: ۹۱۳ق)؛
۳. شماره ۷۶۸ مجموعه رفاعیه در دانشگاه لایپزیک (احتمالاً اواخر سده ۱۲ق)؛
۴. شماره ۲۳۶ مجموعه تیموریه در کتابخانه ملی مصر (دار الکتب القومیة) در قاهره (تاریخ کتابت: ۱۳۳۱ق).

۱. این اثر تاکنون دو بار تصحیح و چاپ شده است؛ بار اول با تصحیح و ترجمه آلمانی کارل گاربرس با عنوان کیمیاء العطر و التصعیدات (al-Kindi, 1948) و بار دوم توسط المریخی با عنوان «مخطوط [كذا] کتاب الترفق فی العطر» (کندی، ۲۰۱۰).

۲. در نوشتار حاضر، واژه عطرنامه در معنای «تک‌نگاری دربارهٔ عطر» به‌کار رفته است.

بولس سباط، به دست‌نویسی دیگر از این کتاب با تاریخ کتابت سوم محرم ۹۷۱ ق دسترسی داشته و جواهر الطیب را بر اساس همان یک دست‌نویس همراه با مقدمه‌ای فرانسوی به چاپ رسانده است (Sbath, 1936).^۱ این چاپ فقط در بردارنده معرفی عطرهای مفردة (ساده/غیر ترکیبی) است. محتوایی که البته با یادکرد صفت «المفردة» در عنوان مرسوم این اثر سازگار است؛ اما در دست‌نویس ملک و لایپزیک مجموعاً دستور ساخت ۵۱ عطر مرکب به‌عنوان بخشی از جواهر الطیب و در ادامه معرفی عطرهای مفردة آمده است.^۲

پس در این جا با دو پرسش روبه‌رو هستیم:

۱. آیا ابن‌ماسویه اثری در عطرشناسی داشته است؟
۲. اگر چنین است این اثر منحصر به بحث درباره عطرهای مفردة بوده یا دستور ساخت عطرهای مرکب را نیز در بر داشته است؟ به عبارت بهتر، این دستورها بخشی از اصل کتاب بوده یا بعدها به آن ملحق شده است؟

بررسی انتساب جواهر الطیب به ابن‌ماسویه

همچنان‌که اشاره شد، در کتاب‌شناسی‌های کهن کتابی درباره عطر به ابن‌ماسویه منسوب نشده است^۳ و بر این اساس، درباره نگارش عطرنامه‌ای به قلم ابن‌ماسویه نمی‌توان بی‌گمان بود؛ اما نقل قول‌هایی درباره عطرها از «ابن‌ماسویه» و به‌ویژه با تصریح به نقل از «کتاب ابن‌ماسویه» به دست ما رسیده است. مقایسه این ارجاعات با آنچه امروزه به‌عنوان جواهر الطیب در دست داریم و نیز مقایسه این عطرنامه با آنچه در آثار دیگر درباره عطرها

۱. ترجمه انگلیسی جواهر الطیب نیز در سال ۱۹۶۱ توسط مارتین لوی چاپ شده است (Levey, 1961).

۲. دست‌نویس پرینستون در وضعیت کنونی تنها اندکی از ابتدای متن جواهر الطیب را در خود دارد و دست‌نویس بسیار متأخر قاهره نیز به وضوح از روی همین دست‌نویس (احتمالاً به یک یا چند واسطه) کتابت شده است.

۳. ابن‌ابی‌اصبیعه در سیاهة آثار ابن‌ماسویه از «کتاب الجواهر» نام برده است (ابن‌ابی‌اصبیعه، ۱۲۹۹: ۱۸۳/۱) که باید همان جواهرنامه او باشد که با عنوان «الجواهر وصفاتها وفي أي بلد هي وصفة الغواصين والتجار» (قاهره: ۱۹۷۶ و ابوظبی، ۱۹۹۷) به چاپ رسیده است.

آمده است - برای پی بردن به بهره‌گیری‌های بدون یادکرد مأخذ - می‌تواند در بررسی درستی انتساب چنین اثری به ابن ماسویه راه‌گشا باشد. البته نظر به تردیدی که در ارتباط میان بخش عطرهای مرکب و عطرهای مفرده وجود دارد، در گام نخست این بررسی، شواهد به عطرهای مفرده محدود شده است.

محتوای بخش عطرهای مفرده جواهر الطیب

در این بخش دربارهٔ ۲۹ مادهٔ خوش‌بوی (ذیل ۲۸ مدخل) بحث شده است که از این میان پنج ماده که بسیار رایج‌تر و مشهورتر از مواد دیگر بوده‌اند «اصول» و مواد دیگر «افاویه»^۱ به‌شمار آمده‌اند.^۲ بدین قرار:

- اصول: مشک، عنبر، عود، کافور و زعفران.

در معرفی این پنج عطر به اجناس^۳ آن و این‌که هر یک از کجا به دست می‌آید، ماهیت، ویژگی‌های نوع مرغوب، طبیعت و خواص هر عطر اشاره شده است.

- افاویه: سنبل، قرنفل، صندل، «جوز بوا و البسباس»، ورد، فلنجه، زرنب، قرفه، هرنوه، قاقله، کبابه، هال بوا، حب المنشم، فاغره، محلب، ورس، قسط، اظفار، بنک، ضرو، لاذن، میعه و قنبیل.

معرفی افاویه بسیار مختصرتر از اصول است. دربارهٔ افاویه به اطلاعاتی چون اجناس آن و این‌که از کجا به دست می‌آید، کاربرد آن در عطرهای زنانه، طبیعت و خواص آن اشاره شده است. البته ابن ماسویه در این بخش روشی یکسان در پیش نگرفته و همهٔ این موارد را دربارهٔ همهٔ افاویه نیاورده است.

۱. هر گیاه خوشبوی که در ترکیب عطرها به کار رود (دهخدا، ذیل «افاویه»).

۲. همچنان‌که ابن ماسویه عطرهای مفرده را به دو دستهٔ اصول و افاویه تقسیم کرده است، در سایر عطرنامه‌های عربی و فارسی نیز می‌توان چنین تقسیماتی را دید. با وجود تفاوت‌هایی در محتوای این تقسیم‌بندی‌ها، آنچه در بیشتر عطرنامه‌ها ذیل دستهٔ اصول آمده چهار عطر مشک، عنبر، عود و کافور است.

۳. ابن ماسویه در جواهر الطیب برای متمایز ساختن گونه‌های مختلف هر عطر (که معمولاً به سرزمین‌های مختلف منسوب شده‌اند) از واژهٔ «جنس» بهره برده است.

نقل قول‌های بیرونی

همهٔ مداخل یادشده در جواهر الطیب در الصيدنة نیز آمده‌اند با این تفاوت که «جوز بوا» و «بسباس» در الصيدنة دو مدخل جداگانه اما در جواهر الطیب در کنار یکدیگر آمده‌اند، «حب المنشم» نیز در الصيدنة ذیل «منشم» یاد شده است.^۱

ابوریحان ذیل نوزده مدخل^۲ از «یحیی و الخشکی»^۳، ذیل ضرو از «یحیی و الخشکی و ابن‌ماسه»، ذیل اظفار الطیب (= اظفار در جواهر الطیب) از «ابن‌ماسویه و الخشکی»، ذیل بسباس از «ابن‌ماسویه» و ذیل میعه از «الخشکی» مطالبی نقل کرده است که همهٔ آن‌ها را می‌توان با اندکی تفاوت و پس و پیش در جواهر الطیب یافت. همچنین باید توجه داشت که همهٔ موارد ارجاع هم‌زمان بیرونی به «یحیی / ابن‌ماسویه و الخشکی» به همین مداخل و به موضوع عطر منحصر است. البته بیرونی ذیل شماری از این مداخل‌ها پس از ارجاع هم‌زمان به این دو، به «الخشکی» (ذیل «ورس» و «قسط»)، یا هر دو، اما این بار به‌صورت جداگانه (ذیل «قرفه» و «اظفار الطیب») نیز ارجاع داده است. ارجاعات جداگانه بیرونی ذیل جوز بوا، زعفران، سنبل، صندل، قاقله، قسط و ورس به «ابن‌ماسویه» دربارهٔ «بدل» (= داروی جایگزین) نیز برگرفته از رسالهٔ گم‌شدهٔ ابن‌ماسویه دربارهٔ «ابدال ادویه» است.^۴

۱. بسباس، برگ جوز بوا است.

۲. بر اساس آنچه بیرونی از منابع مختلف یاد می‌کند، نام این حب، «منشم» است و یادکرد آن به‌صورت «حب المنشم» ضرورت ندارد.

۳. ذیل بنک، جوز بوا، زرنب، زعفران، سنبل، صندل، فاغره، فلنجه، قاقله، قرفه، قرنفل، قسط، کبابه، محلب، ورد، ورس، هال بوا، هرنوه، لاذن (به ترتیب یادکرد در الصيدنة).

۴. محمد بن العباس الخشکی؛ باید منسوب به خشک، شهری از نواحی کابل و نزدیک تخارستان (باقوت حموی، ۱۹۷۷: ذیل «خشک») باشد. مصحح نهاية الأرب في فنون الأدب نام او را به‌صورت «المسکی» ضبط کرده است (نویری، ۲۰۰۴: ۱۲ / مکرر، مثلاً ص ۵-۶)؛ به رای او گرچه در بیشتر نسخ این نام به‌صورت «الحسکی» و «الحسکی» ضبط شده به دلیل ناشناخته بودن این اسامی و مناسبت ضبط «المسکی» با عطرشناسی، این ضبط انتخاب شده است. اما زریاب در تصحیح الصيدنة به‌درستی ضبط «الخشکی» را برگزیده است (زریاب، ۱۳۷۰: ۴۷ و هشت؛ قاری، ۲۰۱۴: ۲۵ نیز در تصحیح طیب العروس و ریحان النفوس تیممی همین ضبط را برگزیده است).

۵. بیرونی ذیل «سنبل» و «میعه» در مورد ویژگی بهترین جنس هر یک از این دو نیز از «ابن‌ماسویه» مطالبی آورده است که در جواهر الطیب دیده نمی‌شوند.

از دیگر سوی، شباهتی میان چهار «اصل» مذکور در جواهر الطیب یعنی مشک، عنبر، عود و کافور و نیز مدخل قنبیل (از جمله افایه) و مدخل‌های مشابه در الصیدنة دیده نمی‌شود و ابوریحان در این پنج مدخل نه به یحیی بن ماسویه و نه به خشکی ارجاع نداده است؛ در حالی که این چهار عطر اصلی مفصل‌ترین مدخل‌های جواهر الطیب به‌شمار می‌روند. با توجه به این نشانه‌ها می‌توان گفت که به احتمال بسیار، بیرونی همه این مطالب را به واسطه کتاب العطر خشکی - که ذیل «اشنه» به بهره‌گیری از آن تصریح دارد (بیرونی، ۱۳۷۰: ۵۴) نقل کرده است.^۱

سرانجام باید گفت آنچه بیرونی درباره «قنبیل» از «الخشکی» نقل کرده است به‌رغم بهره‌گیری بسیار خشکی از ابن ماسویه، هیچ شباهتی به مدخل «قنبیل» جواهر الطیب ندارد.

نقل قول‌های دیگر

ابن بطلان در کتاب مجدول تقویم الصحة درباره چهار عطر اصلی (مشک، عنبر، عود و کافور) به نقل از ابن ماسویه و دو پزشک دیگر مطالبی آورده است (ابن بطلان، جدول «البخورات الطيبة...»: گ ۱۹ پ) که به دلیل شیوة نقل قول او نمی‌توان انتظار داشت که در عبارات شباهت آشکاری به چشم آید اما شباهت محتوا نیز چندان نیست که بتوان بر اساس آن گفت که ابن بطلان به جواهر الطیب نظر داشته است بلکه چنین می‌نماید که مأخذ او آثار داروشناسی ابن ماسویه بوده است.

ابن وافد نیز در الأدوية المفردة نقل قولی از ابن ماسویه درباره طبیعت و خواص عنبر آورده است (ابن وافد، ۲۰۰۰: ۱۶۶) که در جواهر الطیب دیده نمی‌شود. گویا منبع او نیز در این مورد آثار داروشناسی ابن ماسویه بوده است.

۱. این نکته نیز شاید جالب توجه باشد که پنج مدخلی که ابوریحان چیزی از آن‌ها نقل نکرده، مدخل‌های اول تا چهارم و آخر جواهر الطیب‌اند. البته چنان‌که خواهد آمد، خشکی این بخش از جواهر الطیب را در اختیار داشته و ذیل «مسک» از ابن ماسویه به‌صراحت نقل کرده است.

تکرار مطالب جواهر الطیب بدون اشاره به نام ابن ماسویه

افزون بر آنچه دربارهٔ عطر در آثار مختلف از ابن ماسویه (با یادکرد نام) نقل شده، در عطرنامه‌ها، مطالبی بدون یادکرد منبع آمده است که در متنی که با عنوان جواهر الطیب در دست داریم دیده می‌شود.

بخش‌های مشترک طیب العروس و ریحان النفوس^۱ تمیمی (د.ح ۳۹۰ق) با جواهر الطیب

جواهر الطیب	طیب العروس (منقول در نه‌ایه‌ الارب)
المسک أجناس، وهو يتفاضل: فأجوده الصغدی، وهو ما يقع من التبت إلى الصغد ثم يحمل إلى الآفاق على الظهر، ثم الهندي وهو ما يقع من التبت إلى الهند ثم إلى الديبل ثم يحمل في البحر وهو دون الأول لحمله في البحر، ثم الصيني وهو دونه لطول مكثه في البحر. ولعله مع ذلك أن يكون مختلف لإختلاف المراعي في الأصل، لأنه يتفاضل: فأفضلها ما كان مرعاه حشيشاً يقال له الكندهسة يكون بالتبت وقشمير أو بأحدهما (Sbath, 1936: 10-11).	وقال محمد بن العباس [المسكى ^۲]: أجود المسك الصغدی، وهو ما اشتراه تجار خراسان من التبت وحملوه على الظهر إلى خراسان ثم يحمل من خراسان إلى الآفاق؛ ثم يتلوه في الجودة المسك الهندي، وهو ما وقع من التبت إلى أرض الهند، ثم حمل إلى الديبل، ثم حمل في البحر إلى سيراف وعدن وعمان، وغيرها من النواحي، وهو دون الصغدی، ويتلو الهندي المسك الصيني وهو دونه، لطول مكثه في البحر، وما يلحقه من عفونة هوائه، ولعله أخرى وهي إختلاف المرعى في الأصل. قال: وأفضل المسك ما كان مرعى غزلانه حشيشا يقال له: الكدهمس، ينبت بالتبت وقشمير، أو بأحدهما» (نویری، ۲۰۰۴: ۵/۱۲-۶).
وأجود المسك في الرائحة والمنظر ما كان تفاحياً	وقال [احمد بن ابی یعقوب ^۳]: أجود المسك في

۱. این کتاب که در دست‌نویس منحصر به فرد آن (شماره ۶۶۱۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی) «جیب العروس و ریحان النفوس» نامیده شده در سه جلد تدوین شده؛ اما تنها بخش‌هایی از جلد سوم در دست‌نویس مذکور باقی مانده است. البته با توجه به نقل قول‌های فراوان از آن در نه‌ایه‌ الارب فی فنون الأدب نویری می‌توان به خلاصه‌ای از ابواب مفقود کتاب دست یافت.

۲. تصحیف خُشکی است (نک. همین مقاله، ص ۲۵۷، پانوش ۴).

۳. این شخص احتمالاً همان احمد بن اسحاق یعقوبی (د.ح ۳۰۰ق) مؤلف کتاب‌های البلدان و تاریخ یعقوبی است (قاری، ۲۰۱۴: ۲۴).

<p>يشبه رائحته رائحة التفاح الشامي اللبناني الجيد وكان لونه يغلب عليه الصفرة وكان بين الجلال و الدقاق وسطاً، ثم الذي يليه أشد سواداً منه وهو يقاربه في الرائحة وليس كمثلته، ثم الذي هو أشد سواداً منه وهو أوضعه.</p> <p>و بلغنا أن بعض أهل الهند يقولون أن المسك ثلاثة ألوان: فأجودها المسك الأصلي المعروف، ومسكان متخذان أحدهما من أخلاط يابسة تكون عندهم من نبات وليس فيه من المسك شيء وهم يأمرون باستعماله وإبتياعه في مواضع أصوله وما يليها من البلاد وهم الذين يعرفونه ويأمرون به وهم أهل التبت وما يليها، والآخر مسك يتخذونه وهم ينهون عنه وذلك لأنه لا يبقى ويتغير ويفسد ويكون فيه وضبعة أو ذهاب ثمنه، وقد يعرف هذا الثالث بعض أهله من الجلابين والعطارين ببعض رائحته وأكثرهم لا يعرفون والغلط فيه كثير، ومسك يجلب من قشمير الداخلة وما حولها وليس بالجيد وهو يقارب الذي ينهى عنه من المتخذ وهذا أيضاً يكون متخذاً وغير متخذ وهو على نصف القيمة من الجيد ونحوها (Sbath, 1936: 10-11).</p>	<p>الرائحة والمنظر ماكان تفاحيا، تشبه رائحته رائحة التفاح اللبناني، وكان لونه تغلب عليه الصفرة وكان بين الجلال والدقاق وسطاً، ثم الذي يليه وهو أشد سواداً منه، إلا أنه يقاربه في الرائحة والمنظر، وليس مثله، ثم الذي هو أشد سواداً، وهو أدناه قدرا وقيمة.</p> <p>وقال: بلغني أن العلماء بالمسك من تجار أهل الهند يذكرون أن المسك ثلاثة أنواع، لا يخرجونه عن ذلك، فالنوع الأول - وهو أفضله وأجوده - المسك الأصلي الخلقة المعروف، ونوعان آخران متخذان: أحدهما يتخذ من أخلاط يابسة تكون عندهم من نبات أرضهم، وليس فيه من المسك الأصلي شيء، وهم يأمرون باستعماله وإبتياعه من مواضع أصوله، وما يليها من البلاد ومن الذين يعرفونه، وهو أهل التبت، والآخر يتخذونه وينهون عنه وعن إبتياعه والمتجر فيه، وذلك أنه يتغير ويفسد إذا اقام. قال: ونوع آخر، وهو مسك يجلب من قشمير الداخلة وماحولها، وليس بجيد، وهو يقارب المسك المصنوع المنهى عنه، ويكون هو أيضاً متخذاً وغير متخذة وهو على نصف القيمة من المسك الجيد (نويري، ٢٠٠٤: ٩/١٢).</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

بخش مشترك میان کتاب فی فنون الطیب ابن جزار (٢٨٤-٣٦٩ق) و جواهر الطیب

جواهر الطیب	کتاب فی فنون الطیب
<p>وأجود المسك في الرائحة والمنظر ما كان تفاحياً يشبه رائحته رائحة التفاح اللبناني الجيد، وكان لونه يغلب عليه الصفرة وكان بين الجلال و الدقاق وسطاً، ثم الذي يليه أشد سواداً منه وهو</p>	<p>أجود المسك في المنظر والرائحة ماكان تفاحيا، يشبه رائحته رائحة التفاح اللبناني الجيد، وكان لونه يغلب عليه الصفرة وكان بين الجلال والدقاق وسطاً، ثم الذي يليه أشد سواداً منه، وهو يقاربه</p>

الی الرائحة، وليس كمثلها، ثم الذي هو أشد سواداً منه وهو أوضعه (ابن جزار، ۲۰۰۷: ۳۹).	یقاربه فی الرائحة و لیس کمثلها، ثم الذی هو أشد سواداً منه وهو أوضعه (Sbath, 1936: 10).
-------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------

جمع‌بندی شواهد مرتبط با عطرهای مفردة

با توجه به شواهد یادشده می‌توان گفت که دست‌کم از روزگار ابوالعباس خشکی (احتمالاً سده چهارم هجری و به هر حال پیش از روزگار بیرونی) عطرنامه‌ای به ابن ماسویه منسوب بوده است که همین مدخل‌های یادشده در دست‌نویس‌های جواهر الطیب را در بر داشته است. اما از آنجا که نام کتاب ابن ماسویه دربارهٔ عطر، در هیچ یک از متونی که از آن نقل‌قول کرده‌اند به چشم نمی‌خورد، شاید این عنوان وصفی از محتوای کتاب و برساختهٔ کاتبان و نه لزوماً عنوان برگزیدهٔ نویسنده باشد.

بررسی احتمال یادکرد عطرهای مرکب در جواهر الطیب

نکتهٔ شایستهٔ توجه در این میان آن که در عنوان کامل جواهر الطیب، نه تنها اشاره‌ای به عطرهای مرکب نیامده، که بر عطرهای مفردة تأکید شده است. در دست‌نویس سباط نیز در پایان معرفی عطرهای مفردة (مدخل قنیل) انجامهٔ کاتب آمده است؛ اما باید مشخص شود که نبود عطرهای مرکب در دست‌نویس پریستون و به تبع آن دست‌نویس قاهره، ناشی از افتادگی نسخه‌هاست یا این که عطرهای مرکب در دو دست‌نویس ملک و لایزیک به اصل اثر افزوده شده‌اند.

نقل‌قول‌های صریح از ابن ماسویه دربارهٔ عطرهای مرکب

با جست‌وجو در متون عطرشناسی دورهٔ اسلامی درمی‌یابیم که نقل‌قول‌های صریح از ابن ماسویه دربارهٔ عطرهای مرکب، بیش از نقل‌قول‌ها از او دربارهٔ عطرهای مفردة است.

۱. نقل‌قول‌های تمیمی

تمیمی در طیب العروس (تمیمی، ۲۰۱۴) ۳۱ دستور ساخت عطر از ابن ماسویه نقل کرده که تنها یکی (شمارهٔ ۱۲۵) به‌واسطهٔ محمد بن عباس خشکی است و بقیه را مستقیماً به

ابن ماسویه نسبت داده است. همو در کتاب دیگرش ماده البقاء فی إصلاح فساد الهواء و التحرز من ضرر الأوباء نیز یک دستور از ابن ماسویه نقل کرده است (تمیمی، ۱۹۹۹: ۲۸۳).

- در طیب العروس^۱

- [۱] [صنعة الدهن ؟] (ص ۷۷).^۲

- [۲] صنعة الدهن الزییدی لمحمد بن هارون الرشید الذی اتخذته زیادة بنت جعفر، ایضا من کتاب یوحنا (ص ۷۹).

- [۳] مبخر صنعة دهن برمکی^۳ من کتاب یوحنا، غایة (ص ۸۰).

- [۴] صنعة دهن آخر برمکی يعرف بدهن الأفواه، من کتاب یوحنا (ص ۸۲).

- [۵] صنعة دهن یسمى المکنی الخنث مما نقل من کتاب یوحنا ایضا (ص ۸۳).

- [۴۲] صنعة الدهن المدنی المركب من کتاب یوحنا بن ماسویه (ص ۱۰۸).

- [۴۳] صنعة دهن مرکب مبخر طیب جید للنساء، من کتاب یوحنا ایضا (ص ۱۰۹).

- [۴۴] صنعة دهن آخر عقب جید للنساء من کتاب یوحنا ایضا (ص ۱۱۰).

- [۴۶] صنعة دهن التفاح من کتاب یوحنا (ص ۱۱۲).

- [۵۹] صنعة دهن مبخر جید لشعور النساء و لطیبهن من کتاب یوحنا بن ماسویه (ص ۱۲۳).

- [۶۰] صنعة دهن الحماحم المررب من کتاب یوحنا بن ماسویه (ص ۱۲۴).

- [۶۱] صنعة دهن آخر من دهن الحماحم مرربی بالسمسم من کتاب یوحنا (ص ۱۲۴).

- [۶۲] صنعة حماحم مبخر عقب ملوکی من کتابه ایضا (ص ۱۲۶).

۱. اعداد داخل قلاب شماره هر دستور در چاپ طیب العروس است.

۲. بخش برجای مانده از طیب العروس (البته به جز آنچه به واسطه منقولات دیگران به دست ما رسیده)، کاملاً بی مقدمه و با همین دستور (بدون عنوان و احتمالاً ناقص) آغاز می شود بی آنکه از یوحنا نام برده شود اما با توجه به عبارت «ایضا من کتاب یوحنا» در نقل قول بعدی، این دستور نیز از «کتاب یوحنا» نقل شده است.

۳. منسوب به خاندان ایرانی برمکی که در دستگاه خلافت هارون قدرتی افسانه‌وار داشتند و در ساخت عطر نیز زبانزد بودند، چندان که برخی دستورهای ساخت عطر نیز از شماری از آنان یا «کتب البرامکه» نقل شده است (برای نمونه نک. تمیمی، ۲۰۱۴: ۸۴، ۱۵۰).

- [۶۳] صنعة دهن السوسن الأزاد من كتاب يوحنا (ص ۱۲۶).
- [۶۴] صنعة دهن القسط المر المرتفع من كتاب يوحنا (ص ۱۲۶).
- [۶۶] صنعة دهن المرزنجوش عن يوحنا أيضا (ص ۱۲۸).
- [۶۷] صنعة دهن الآس المستعمل لشعور النساء من كتاب يوحنا (ص ۱۲۸).
- [۷۰] صنعة دهن الحناء المصلح لشعور النساء على رأى يوحنا (ص ۱۳۰).
- [۷۱] صنعة دهن السوسن الأبيض الملوکی الرفیع عن يوحنا (ص ۱۳۱).
- [۷۳] صنعة دهن المرى الكوفى السنبلانى من كتاب يوحنا (ص ۱۳۳).
- [۷۶] صنعة دهن المرى الرقى الرفیع عن يوحنا بن ماسويه أيضا (ص ۱۳۵).
- [۹۱] صنعة نضوح^۱ الأفایوه الملوکی من كتاب يوحنا (ص ۱۴۸).
- [۹۲] صنعة النضوح الكوفى عنه أيضا (ص ۱۴۹).
- [۱۲۵] تصعيد ماء الزعفران نقله محمد بن العباس عن ابن ماسويه (ص ۱۷۳).
- [۱۹۷] صنعة الصياح^۲ المدنى من كتاب يوحنا بن ماسويه (ص ۲۰۶).
- [۱۹۸] صنعة الصياح الكوفى من كتاب يوحنا أيضا (ص ۲۰۷).
- [۲۰۶] صنعة اللخلخة^۳ المدینية من كتاب يوحنا (ص ۲۱۷).
- [۲۰۷] صنعة الغسلة^۴ الكوفية عن يوحنا (ص ۲۱۷).
- [۲۰۸] صفة الغسلة البرمكية من كتاب يوحنا أيضا (ص ۲۱۸).
- [۲۰۹] صنعة غسلة شامية عن يوحنا (ص ۲۱۸).
- [۲۶۹] صنعة الأشنان^۵ الملوکی من كتاب يوحنا بن ماسوية (ص ۲۵۵).
- [۲۷۰] صنعة أشنان آخر عن يوحنا أيضا (ص ۲۵۶).

۱. نوعی طیب که بوی خوش آن پراکند (دهخدا، ذیل «نضوح»).

۲. ماده‌ای خوشبوی که برای شستن سر به کار می‌رفته است (دهخدا، ذیل «صياح»).

۳. ترکیبی است از عطریات مختلف که از آن گویی سازند و بویند (دهخدا، ذیل «لخلخه»).

۴. طیبی که هنگام شانه زدن به کار برند (دهخدا، ذیل «غسله»).

تمیمی نخست بر یکی بودن «طبیعت» نضوح و غسله تأکید کرده و سپس یادآور شده است که روش ساخت

این دو و صياح یکسان است (تمیمی، ۲۰۱۴: ۱۴۳، ۲۱۴).

۵. گیاهی است خوشبوی که بعد از خوردن طعام بدان دست شویند (دهخدا، ذیل «اشنان»).

- در ماده البقاء

- صفة مسوح المعتصم عن يوحنا بن ماسويه (تميمي، ۱۹۹۹: ۲۸۳).

۲. نقل قول‌های ابن جزار

ابن جزار قیروانی در کتاب فی فنون الطیب و العطر (ابن جزار، ۲۰۰۷) هشت دستور از ابن ماسویه نقل کرده است.

- صفة لخلخة تستعمل فی الصیف لطیب رائحتها فی المجالس تألیف ابن ماسویه لجعفر المتوکل (ص ۹۹).

- صفة لخلخة ألفها ابن ماسويه نافعة عند استحکام برد المعدة وفي الشتاء (ص ۱۰۴).

- صفة لخلخة لابن ماسويه أيضا نافعة فی تطيب معدت الباردة وتقويتها (ص ۱۰۵).

- صفة خلوق^۱ أبيض من کتاب يوحنا بن ماسويه (ص ۱۱۱).

- وصف ابن ماسويه مثل ذلك للصيف (ص ۱۱۲).

- صفة صباغ^۲ يلائم للأبدان فی الصیف من تدبير ابن ماسويه لجعفر المتوکل (ص ۱۱۴).

- وصف ابن ماسويه للمتوکل مما يلائم النفس ويطيب الروائح ويذكيها وخاصة فی الربيع (ص ۱۱۵).

- مما وصف ابن ماسويه للملوک يستعملونه فی الربيع وهو مما يقوى الأبدان ويحفظها (ص ۱۱۶).

۳. نقل قول‌های زهراوی

ابوالقاسم زهراوی (۳۲۵-۴۰۴ق) در التصريف لمن عجز عن التأليف^۳ (زهراوی،

۱۹۸۸) سه دستور ساخت عطر مرکب از ابن ماسویه نقل کرده است:

۱. قسمی بوی خوش که قسمت اعظم آن زعفران است و رنگ آن مایل به سرخی یا زردی است (دهخدا، ذیل «خلوق») و گویا برای آرایش زنان به کار می‌رفته است.

۲. ترکیبی خوشبوی که برای رنگ‌آمیزی لباس و پارچه به کار می‌رفته است.

۳. شهرت این کتاب همواره به واسطه مقاله سی ام آن «فی عمل البید» بوده و پژوهش‌های صورت گرفته درباره آن نیز معمولاً به همین موضوع اختصاص داشته است. این کتاب از مفصل‌ترین آثار پزشکی و داروشناسی دوره اسلامی است و در سی مقاله است. مقاله نوزدهم آن در دو «قسم» است: ۱. فی الطیب؛ ۲. فی أدوية الزينة والجمال.

- صفة لخلخة لیحیی بن ماسویه (ص ۵۶).
 - صفة خلوق أبيض لیحیی بن ماسویه (ص ۵۸).
 - صفة أخرى لابن ماسویه من تطیب الثیاب (ص ۵۸).
- هر سه دستور یادشده با اختلافی اندک در کتاب فی فنون الطیب و العطر (ابن جزار، ۲۰۰۷: ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۲) هم آمده‌اند.

نقل دستورهای یادشده در دست‌نویس‌ها بدون یادکرد ابن ماسویه

شماری از دستورهای ساخت عطر موجود در دست‌نویس‌های جواهر الطیب، بی‌آنکه به ابن ماسویه منسوب شوند، در کیمیاء العطر کندی (۱۸۵-۲۵۸ق) و طیب العروس تمیمی، بیشتر بدون نام بردن از کسی و گاه با انتساب دستور به دیگری، آمده‌اند (نک. جدول ۱).

جدول ۱. دستورهای ساخت عطر مشترک میان دست‌نویس‌های جواهر الطیب و عطرنامه‌های دیگر

جواهر الطیب المفردة	کیمیاء العطر و التصعیدات ^۱	طیب العروس و ریحان النفوس
۱	صنعة العنبر (گ ۴۲-پ ۴۳ ر) (ص ۱۳۴-۱۳۵) ^۲	صنعة عنبر آخر (ش ۶۵، ص ۸۲ و ۸۳) (ش ۶۴، ص ۴۲) ^۳
۲	عمل المسک (گ ۴۳ ر) (ص ۱۳۵)	صنعة مسک آخر (ش ۱۰، ص ۳۹) (ش ۱۰، ص ۵)
۳	تصعید ماء الزعفران (گ ۴۳ پ و ۴۴ ر) (ص ۱۳۵)	تصعید ماء الزعفران عن ابی العلاء صاعد، عطار ابراهیم بن المهدی (ش ۱۳۵، ص ۱۷۸)
۴	و منه ایضا	تصعید آخر طریف

۱. معمولاً اندکی تفاوت و تلخیص در عبارت‌پردازی دستورهای مشترک میان دست‌نویس‌های جواهر الطیب و کیمیاء العطر به چشم می‌خورد.

۲. در همه موارد مشابه ارجاع نخست به نسخه لایپزیک و ارجاع دوم به نسخه ملک است.

۳. در همه موارد مشابه ارجاع نخست به چاپ المریخی و ارجاع دوم به چاپ گاربرس است.

	(ش ۸۸، ص ۹۵) (ش ۸۷، ص ۵۳)	(گ ۴۴ر) (ص ۱۳۵)	
-	صنعة كافور آخر (ش ۷۲، ص ۸۶) (ش ۷۱، ص ۴۵)	عمل كافور (دستور اول) (ص ۸۸)	۵
-	تصعيد ماء القرنفل آخر عجيب (ش ۱۰۰، ص ۹۹) (ش ۹۹، ص ۵۶)	تصعيد ماء القرنفل (ص ۱۳۶)	۶
-	تصعيد ماء الورد الجيد ^۱ (ش ۱۰۶: ص ۱۰۰) (ش ۱۰۴، ص ۵۷)	تصعيد ماء الورد (ص ۱۳۶)	۷
[همین دستور اما با انتساب به ابن ماسویه] (ش ۱۲۵، ص ۱۷۳)	تصعيد زعفران آخر (ش ۸۹، ص ۹۶) (ش ۸۸، ص ۵۳)	تصعيد ماء الزعفران (ص ۱۳۷)	۸
تصعيد ماء القرنفل لونا آخر عنه (کتاب محمد بن العباس) ايضا (ش ۱۴۵، ص ۱۸۳)	-	تصعيد ماء القرنفل (ص ۱۳۷)	۹

همچنان که دیده می شود از این میان تنها همان دستور «تصعيد ماء الزعفران» که پیش تر به آن اشاره شد (ردیف هشتم جدول) در کیمیاء العطر بدون یادکرد ابن ماسویه، اما در طیب العروس با تصریح به نام او آمده است.

جمع بندی شواهد مرتبط با عطرهای مرکب

با بررسی شواهد یادشده، با دو دسته شواهد متنی روبه رو هستیم که نتایجی ناهمگون به دست می دهند.

۱. کیمیاء العطر پس از دستور ساخت «ماء الورد»، توضیحاتی درباره رنگ کردن با آن و روش تثبیت رنگ آن دارد که در جواهر الطیب دیده نمی شود.

۱. نقل قول‌های صریح دستورهای ساخت عطر از ابن ماسویه که در دست‌نویس‌ها دیده نمی‌شوند: از میان ۴۳ نقل قول صریح از ابن ماسویه، دربردارنده ۴۰ دستور منحصر به فرد (سه دستور میان زهراوی و ابن جزار مشترک‌اند)، تنها دستور «تصعید ماء الزعفران» منقول در طیب العروس، آن هم فقط در یکی از دو دست‌نویس دربردارنده عطرهای مرکب، یعنی در دست‌نویس ملک آمده است.

۲. نقل ۹ دستور موجود در دست‌نویس‌ها، بدون یادکرد نام ابن ماسویه و گاه با انتساب به دیگری: از این میان شش دستور فقط در کیمیاء العطر آمده است (بدون یادکرد نام کسی). یک دستور فقط در طیب العروس و به نام دیگری آمده است. یک دستور در کیمیاء العطر بی‌نام و در طیب العروس به نام دیگری و دستور پیش‌تر یادشده «تصعید ماء الزعفران» نیز در کیمیاء العطر بی‌نام اما در طیب العروس به نام ابن ماسویه ثبت شده است.

شواهد دسته نخست می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که آنچه در دست‌نویس‌ها از عطرهای مرکب در دست داریم تنها بخشی از روایت کامل این بخش از اثر ابن ماسویه است، و شواهد دسته دوم، با توجه به سنت کمابیش رایج میان دانشوران دوره اسلامی در کم‌توجهی به «ارجاع» می‌تواند نشانه آن باشد که:

الف) از میان ابن ماسویه و کندی یکی، بی‌یادکرد نام دیگری، مطالبی را از او نقل کرده باشد. شباهت چشم‌گیر میان الجواهر و صفات‌های ابن ماسویه و الجواهر و الأشباه کندی^۱ (هر دو اثر درباره گوه‌شناسی) این احتمال را تقویت می‌کند^۲ اما با توجه به هم‌عصر بودن ابن ماسویه (ح ۱۶۳ یا ۱۷۲-۲۴۳) و کندی (۱۸۵-۲۵۶ق) نمی‌توان درباره این که کدام یک از آثار دیگری بهره گرفته است بی‌گمان بود.

۱. متن جواهرنامه کندی تنها به واسطه نقل قول‌های پرشمار بیرونی در الجماهر فی الجواهر به دست ما رسیده است. این نکته را نیز باید در نظر داشت که بیرونی، به‌رغم تسلط چشمگیر بر منابع گوه‌شناسی، هیچ اشاره‌ای به جواهرنامه ابن ماسویه ندارد و تنها یک بار، آن هم در موضوعی جز گوه‌شناسی، از او نقل قول کرده است (کرامتی، ۱۳۸۹: ۴۴۰).

۲. مطالب بسیاری درباره گوه‌رها در گوه‌نامه‌های ابن ماسویه و کندی (متن کندی به واسطه ارجاعات بیرونی) به عین عبارت دیده می‌شود (رنوف، ۱۹۷۶: ۱۶ به بعد).

ب) کندی و ابن ماسویه این دستورهای مشترک را از منبع یا منابعی مشترک نقل کرده‌اند. ممکن است این منبع مشترک همان «کتاب العطر المؤلف للمعتصم» باشد که از مهم‌ترین منابع تیمیمی در باب عطرهاى مرکب بوده است. مؤلف این کتاب مشخص نیست، اما از عنوان آن پیداست که برای هشتمین خلیفه عباسی المعتصم بالله (خلافت: ۲۱۸-۲۲۷ق) نگاشته شده و شاید نگاشته گروهی از مؤلفان باشد. در این نقل قول‌ها گاه به «داود» و «بختیشوع» نیز اشاره شده است که به گمان مصحح طیب العروس باید داود بن سراپیون^۱ و بختیشوع بن جبریل (زنده در ۲۵۶ق) و از جمله نویسندگان این اثر باشند (قاری، ۲۰۱۴، ص ۲۴). در طیب العروس از این کتاب شانزده بار نقل قول شده که نه مورد آن (شماره‌های ۴۷، ۴۹ و ۵۱-۵۷) در کیمیاء العطر کندی نیز (بدون نقل قول) به چشم می‌خورند. از سویی تیمیمی در مادة البقاء یک دستور از ابن ماسویه نقل کرده با عنوان «صفة مسوح المعتصم عن یوحنا بن ماسویه» (تیمیمی، ۱۹۹۹: ۲۸۳). چه بسا کندی و ابن ماسویه نیز از مؤلفان کتاب تألیف شده برای معتصم بوده‌اند و به همین دلیل در نقل محتوای آن کتاب نیازی به «ارجاع» ندیده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد دو پرسش نخست را می‌توان چنین پاسخ داد:

۱. آنچه امروزه با عنوان جواهر الطیب در دست داریم اثر ابن ماسویه است هرچند معلوم نیست عنوان آن برگزیده خود او باشد.
۲. این عطرنامه، همچون دیگر عطرنامه‌هایی که می‌شناسیم افزون بر بخش عطرهاى مفرده، بخشی درباره ترکیب عطرها داشته است که به احتمال بسیار، این بخش به تمامی به دست ما نرسیده است. البته این احتمال را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که شماری از دستورهای نسخ موجود را کاتبان از آثار دیگر به آن افزوده باشند.

۱. البته شواهدی در دست است که احتمالاً داود بن سراپیون روزگار معتصم را درک نکرده است.

منابع

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم (۱۲۹۹). عیون الانباء فی طبقات الاطباء. تصحیح آگوست مولر. قاهره: المطبعة الوهیبیة.
- ابن بطلان، ابوالحسن مختار بن حسن بن عبدون. تقویم الصحة، دست‌نویس شماره ۲۹۴۵ کتابخانه ملی پاریس.
- ابن جزار، ابوجعفر احمد (۲۰۰۷). کتاب فی فنون الطیب و العطر. تصحیح الراضی الحجازی و فاروق العسلی. تونس: بیت الحکمة.
- ابن ماسویه، یوحنا. جواهر الطیب المفردة بأسمائها وصفاتها ومعادنها، دست‌نویس شماره ۱۷۴ ۱۷۴ مجموعه گرت در دانشگاه پرنستون.
- _____ . همان. دست‌نویس شماره ۱۵۶۹ کتابخانه و موزه ملی ملک در تهران.
- _____ . همان. دست‌نویس شماره ۷۶۸ مجموعه رفاعیه در دانشگاه لایپزیک.
- _____ . همان. دست‌نویس شماره ۲۳۶ مجموعه تیموریه در کتابخانه ملی مصر (دار الکتب القومیة) در قاهره.
- _____ . (۱۹۷۶). الجواهر و صفاتها، با مقدمه و تصحیح عماد عبدالسلام رئوف (ویرایش ۱). قاهره: دار الکتب المصریة.
- ابن وافد، ابوالمطرف عبدالرحمان بن محمد بن عبدالکریم (۲۰۰۰). الادویة المفردة. تصحیح احمد حسن بسج. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۷۰). الصيدنة فی الطب. تصحیح عباس زریاب خویی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تمیمی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن سعید (۲۰۱۴). طیب العروس و ریحان النفوس فی صناعة العطور. تصحیح لطف‌الله قاری. معهد المخطوطات العربیة.
- تمیمی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن سعید (۱۹۹۹). مادة البقاء فی إصلاح فساد الهواء و التحرز من ضرر الأوباء. تصحیح یحیی شعار. قاهره: دار الکتب و الوثائق القومیة.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰). لغتنامه. تهران: چاپخانه مجلس شورای اسلامی.
- رئوف، عماد عبدالسلام. مقدمه ← ابن ماسویه (۱۹۷۶).
- زریاب، عباس. مقدمه ← بیرونی.
- زهراوی، ابوالقاسم خلف بن عباس (۱۹۸۸). التصریف لمن عجز عن التالیف، چاپ تصویری نسخه خطی شماره ۵۰۲ (بشیر اغا) کتابخانه سلیمانیة. تصحیح فؤاد سزگین. فرانکفورت: معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة.

- قارى، لطف الله. مقدمه ← تميمى (٢٠١٤).
- كرامتى، يونس (١٣٨٩). «الجماهر فى الجواهر». در: دائرة المعارف بزرگ اسلامى (ج ١٨): ٥٣٨-٥٤٣. تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
- كندى، يعقوب بن اسحاق (٢٠١٠). كتاب الترفق فى العطر. تصحيح سيف بن شاهين بن خلف المريخى. دوحه: وزارة الثقافة والفنون والتراث.
- نويرى، احمد بن عبد الوهاب (٢٠٠٤). نهاية الأرب فى فنون الأدب. قاهره: دار الكتب العلمية.
- ياقوت حموى (١٩٧٧). معجم البلدان. تصحيح فرديناند ووستنفلد. بيروت: دار صادر.
- al-Kindi, Ya'qub ibn Ishak (1948). *Kitab kimiya al-itr wat-tasidat : Buch über die Chemie des Parfüms und die Destillationen : Ein Beitrag zur Geschichte der arabischen Parfümchemie und Drogenkunde aus dem 9. Jahrh. P.C.* (K. Garbers, ed.). F.A. Brockhaus.
- Levey, Martin (1961). "Ibn Māsawaih and His Treatise on Simple Aromatic Substances: Studies in the History of Arabic Pharmacology I". *Journal of the History of Medicine and Allied Sciences*, 16(4): 394-410.
- Sbath, Paul (1936). "Traité sur les substances simples aromatiques". *Bulletin de l'Institut d'Égypte*, 19: 5-27.